



## حقیقت یور: ما نجاتشان دادیم والا ارمنستان باکو را هم می‌گرفت

اگر ایران (هلال احمر) توسط من «۱۰ هزار آواره» قره باغ را در ایمنی اسکان نمی‌داد، آب و غذایشان را تامین نمی‌کرد و امنیت شان را فراهم نمی‌کرد، همین آواره‌ها می‌رفتند کاخ ریاست جمهوری را بر سر حیدر علی‌اف خراب می‌کردند.

به گزارش آران نیوز / جنگ قره باغ و اشغال این منطقه به دست ارمنه و تداوم مناقشه یکی از مهم ترین مسائل و موضوعات مبتلا به منطقه قفقاز به حساب می‌آید. در این میان نقش مثبت جمهوری اسلامی ایران در این جنگ و خدماتی که برای مردم مسلمان جمهوری آذربایجان از سوی کشورمان در حوزه های مختلف از جمله نظامی صورت گرفته ، از جمله مواردی می باشد که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. بی تردید حساسیت موضوع از جمله دلایلی بوده است که باعث شده خدمات و نقش مثبت جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته شده و یا کتمان شود. از جمله شخصیت های مهم و مطلع ایرانی که خدمات شایان توجهی را در طول جنگ قره باغ برای کمک به مردم جمهوری آذربایجان ارائه نموده است می توان از دکتر منصور حقیقت پور، مستشار نظامی سابق ایران در باکو و مشاور نظامی مرحوم حیدرعلی اف نام برد. ایشان که سابقه یک دوره استانداردی اردبیل و نیز نمایندگی مجلس از استان اردبیل را در کارنامه دارد، هم اکنون به عنوان مشاور امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ایران انجام وظیفه می‌کند. در اینجا خوانندگان گرامی را به مطالعه مصاحبه جالب و خواندنی این شخصیت برجسته نظامی ایرانی که به بخش هایی از حقایق جنگ قره باغ و خدمات جمهوری اسلامی ایران در زمینه های مختلف اشاره کرده است دعوت می کنیم.

برای شروع و سؤال اول درباره‌ی اوضاع منطقه و ایران در زمان انعقاد قرار داد ترکمنچای و عواملی که موجب تجزیه مناطق قفقاز از ایران شد، توضیح بفرمایید. این قرار داد در مقطعی از تاریخ منعقد شده که متأسفانه ما بی لیاقتی مفرطی را در رأس حکومت‌های موقع ایران می‌بینیم. در مقطعی که دنیا به سرعت در حال پیشرفت است و کشورها در حال تقویت خود هستند. علم و تکنیک‌های جدید در جنگ‌ها به کار گرفته می‌شود. اما ما علی‌رغم داشتن پتانسیل بسیار خوب و مؤلفه‌های قدرت از جمله مردم ایران و علمایی که می‌توانستند مردم را به حرکت فرا بخوانند، به دلیل مدیریت نالایق در نظام قاجار که نتوانستند از عباس میرزا در نبردهایش در قفقاز جنوبی حمایت کنند؛ به دو قرارداد ننگین و جدایی سرزمین‌های قفقاز تن دادیم. قاجارها درایت لازم را نداشتند و در برابر تدابیر روس‌ها ضعیف عمل کردند که نتیجه‌اش این دو قرارداد شد که تا قرن‌ها باید برای امضایشان، حسرت بخوریم. من عامل اصلی را عامل مدیریت و عامل رهبری جامعه می‌بینم.

پس از فروپاشی تزاری، در دوره‌هایی در همان فضای قفقاز و نخجوان و سایر شهرها، نهضت‌هایی شکل گرفت برای بازگشت به ایران، و در مقطعی لنین عنوان کرد که قراردادهای تزاری با ایران را یک طرفه لغو می‌کند، آیا در این دوره که تقریباً مصادف با اواخر قاجار است- ایران نمی‌توانست از این موقعیت استفاده بکند برای بازگرداندن این شهرها؟ بله من هم این قیام‌ها را تأیید می‌کنم، هم قیام شیخ شامل داغستانی را داشتیم، هم قیام ضیخ منصور را. این دو، جریاناتی را در منطقه هم در قفقاز شمالی و هم قفقاز جنوبی ایجاد کردند که نخله و جوهره این حرکت‌ها، مقاومت در برابر سلطه‌ی روس‌ها بود.

نکته مهم این که این خیزش‌ها الان هم وجود دارد، یعنی اگر سایه‌ی زور و خشونت را از سر مردم خصوصاً در قفقاز جنوبی- بردارند، نگاه مردم آنجا به ایران است. در مقطع حاکمیت قاجار اراده‌ای برای بازگرداندن قفقاز به ایران وجود نداشت. قاجارها با این بهانه که خاک آنجا شور است و قفقاز به درد ما نمی‌خورد، منطقه را واگذار کردند. آن وقت باید می‌گفتند آب قفقاز دوباره شیرین شده و خاکش حاصلخیز شده! برویم و مجدد قفقاز را بگیریم! بی‌کفایت قاجار اجازه چنین حرکتی نمی‌داد.

بعد از فروپاشی شوروی چطور؟ این فرصت برای ایران فراهم نبود که وارد قفقاز شود و مدعی شود، یا جریاناتی را راه‌اندازی کند؟ یا از جریاناتی که در قفقاز و خصوصاً باکو راه افتاده بودند و خواهان الحاق به ایران بودند حمایت کند؟

امروزه شرایط نسبت به دوره‌ی قاجار تغییر پیدا کرده است ، الان به این شکل جابجایی قدرت‌های سیاسی قابل تصور نیست. اگر در بین مردم قفقاز اراده ای وجود دارد که خواهان بازگشت به ایران هستند، این اراده مقدس و قابل احترام است؛ اما دعوی برای بازپس‌گیری یک منطقه، در حال حاضر در سطح بین‌الملل چندام مقبول نیست.

آیا حمایتی از اشخاصی مانند روشن جوادف صورت گرفت؟ روشن جوادف دوست من بود، ما مدت مدیدی در قره‌باغ با هم جنگیدیم. از طرفی برای ایران فراغت لازم را نگذاشتند. دائم برای ما مسئله و چالش ایجاد کردند، ما به دنبال این بودیم که در سطح بین‌الملل منافع خودمان را حفظ کنیم و دچار مشکل نشویم. ضمن اینکه ما فرصت‌های فراوانی پیش‌رو داریم.

آیا در مقطع فروپاشی شوروی از جانب ایران کوتاهی شد؟ خیر. من نمی‌گویم کوتاهی صورت گرفته، نگاه کنید قفقاز بلافاصله بعد از فروپاشی شوروی دچار بحران و جنگ برای استقلال شد، بنابراین نمی‌شد مسائل جدیدی را در آن زمان مطرح کرد.

ولی ما باید به سراغ آن مؤلفه‌هایی برویم که تمدن مشترک ما را شکل داده، زبان مشترک، تاریخ مشترک، اعتقاد مشترک، مبدأ مشترک و ... ما باید دنبال این‌ها باشیم. اگر به این شکل عمل کنیم، ما و قفقاز به صورت فرهنگی اتصال پیدا می‌کنیم.

اما هر هر کاری که ترکیه در قفقاز می‌کند مصنوعی است. ترکها دوست مردم جمهوری آذربایجان نیستند.

زبان فارسی چطور؟ آیا زبان فارسی را می‌توانیم مؤلفه مشترک میان ایران و قفقاز بدانیم؟

بله، آن‌ها هم اگر برگردند به اصلتشان، زبان فارسی از عناصر مهم فرهنگی در قفقاز است. خصوصاً در ادبیات و کتیبه‌های تاریخی‌شان. باید روی موضوع سرکوب زبان فارسی که در قفقاز صورت گرفت، کار شود. البته با وجود این سرکوب‌ها بسیاری از اسامی محلی آن منطقه هنوز فارسی است، مثلاً باکو در اصل «بادکوبه» بود، یا نارداران، در اصل انارداران و آبشورون، آبشوران بوده است. باید کار تحقیقی انجام شود روی نهضت کتاب‌سوزی که در آن روس‌ها بعد از تسلط به منطقه کتاب‌های فارسی را سوزاندند. البته همه‌ی مؤلفه‌های زبان فارسی را نتوانسته‌اند از بین ببرند، کتیبه‌های فارسی هنوز هستند، مگر می‌توانند کتیبه‌ها را از بین ببرند؟ درست است که اشعار فارسی نظامی گنجوی را تخریب کردند، اما کتیبه‌های تاریخی در مساجد و مناطق تاریخی همگی به فارسی هستند.

برگردیم به دوران فروپاشی شوروی و تشکیل رسمی جمهوری آذربایجان چون در دوره رسول‌زاده جمهوری آذربایجان به رسمیت شناخته نشد و ایران هم اسم آذربایجان را برای

شمال ارس در آن دوره به رسمیت شناخته بود- چرا در دوره آقای هاشمی اسم آذربایجان برای منطقه شمال ارس به رسمیت شناخته شد؟

چرا علی‌رغم اینکه ما سابقه اعتراض به آذربایجان نامیده شدن آران را در وزارت خارجه و در روزنامه‌ها داشتیم و می‌دانستیم که پشت پرده‌ی نامیده شدن "اران و شروان" به آذربایجان چیست این کشور را با این نام به رسمیت شناختیم؟

من علت دقیق این موضوع در آن زمان را نمی‌دانم. من همه جا گفتم، به لحاظ تاریخی ما منطقه‌ای به اسم آذربایجان در شمال ارس نداریم. آذربایجان در جنوب ارس است. شمال ارس، اران و خانات شروان بوده است. البته در مقطع شوروی هم، از این نام جعلی برای آن منطقه استفاده می‌کردند. من فکر می‌کنم نگاه مهربانانه ایران باعث شده که با کشوری که تازه استقلال یافته و در بحران و جنگ با ارمنستان قرار دارد - ما هم در این جنگ داریم کمکشان می‌کنیم- وارد بحث و چالش بر سر نام آن کشور نشویم. به نظر من شاید

اصرار ما در آن مقطع درباره‌ی قضیه نام، نشدنی بود. من البته جزئیات را نمی‌دانم، باید از مسئولین امر در آن دوره پرسید. به هر حال شما در آن دوره رایزن نظامی بودید و دخالت داشتید، بعدها در کمیسیون امنیت ملی هم بودید، تجربه‌های مشابه هم در دنیا وجود دارد، می‌شد با پسوند، پیشوند یا قیدی، این ادعای ما ثبت شود.

ما چه می‌گفتیم؟ می‌گفتیم اسمتان را عوض کنید تا شما را به رسمیت بشناسیم؟

همان کاری که یونان دارد با مقدونیه می‌کند.

یعنی مقدونیه الان به رسمیت شناخته نمی‌شود؟

بله. نتوانسته وارد اتحادیه اروپا شود، که یکی از دلایل اصلی آن مخالفت یونان است. یونان و مقدونیه وضعیت مشابه ایران و جمهوری آذربایجان دارند. مقدونیه سعی میکند تاریخ و فرهنگ کشور بزرگتر و اصیلتر مصادره کند و چون کشور تازه استقلال یافته است سعی دارد در جهان برای خودش اعتباری کسب کند. یونان هم مثل ما از این قضیه عصبانی است.

درباره روابط ایران با جمهوری آذربایجان در سال‌های پس از فروپاشی و جنگ در جنوب قفقاز بفرمایید؟

ایران از جمهوری آذربایجان حمایت کرد. من مشاور نظامی علی‌اف بودم. گزارش‌های نظامی را که به حیدر علی‌اف می‌دادم، کارا به من می‌گفت شما لشکر عاشورا را بیاورید و قره‌باغ را تصرف کنید، بجای اینکه دست ارمنی‌ها باشد، بهتر است در کنترل ایران باشد.

به من می‌گفت چرا در باکو به دنبال شیعه‌ها می‌روید؟ می‌گفت من هم حیدرم، هم علی‌اف، دو بار شیعه‌ام!!

یعنی حیدر علی‌اف رسماً می‌گفت ایران باید قره‌باغ را بگیرد؟

بله در حرف می‌گفت، من هم می‌گفتم من نظامی‌ام، این حرف را بنویس ببرم برای سران دولت در تهران؛ اما علی‌اف این صحبت را نمی‌نوشت و نمی‌خواست به دست ما سند بدهد.

کمک‌های ایران در جنگ قره‌باغ در چه سطحی بود؟

بله ما نجاتشان دادیم والا ارمنستان حتی باکو را هم می‌گرفت.

\* ظاهراً آذربایجان هنوز از باب تسلیحاتی که ایران در زمان جنگ قره‌باغ به آنها داده است بدهکار است؟!

بله. ۳۰ میلیون دلار همین حالا به ایران بدهکار است. اما ایران خیلی بزرگوار است و هیچگاه این مسئله را مطرح نمی‌کند. اگر ترکیه بود تا الان یا اصل پول را گرفته بود یا امتیازی گرفته بود که ده برابر بیشتر سود داشت.

حافظه تاریخی مردم در آذربایجان چطور است؟ حضور نظامی مردم در منطقه را به خاطر ندارند؟

حقیقت‌پور: چرا. من دو دقیقه فیلم منتشر کردم با عنوان «سردار آذربایجان» که درباره حضور نظامی مستشاران ایرانی در مقطع جنگ قره‌باغ بود.

گفتم ۲۰۰۰ دقیقه است، من ۲ دقیقه‌اش را منتشر می‌کنم، آن‌هایی که در باکو نشسته‌اند و علیه دولت عالی‌ه ایران تبلیغات منفی می‌کنند نه خودشان و نه اعضای خانواده‌شان، هیچکدام در جنگ شرکت نکردند، اما ماشین من در جنگ قره‌باغ روی مین رفت و تکه‌تکه شد. ما در باکو ۶۵۰۰ تن نیرو تربیت کردیم. آن روزها سربازها را در خیابان‌های باکو به خط می‌کردیم و مردم باکو شاهدند.

خب این نقش مستشاری ایران و آموزش‌هایی که ایرانی‌ها می‌دادند، نقض بی‌طرفی ایران نبود در جنگ دو کشور همسایه؟

حقیقت‌پور: ما بی‌طرف نبودیم. ما می‌خواستیم که آذربایجان این سرزمین را بگیرد و میان دو کشور آشتی برقرار کنیم.

بعد از سرکار آمدن الهام علی‌اف، به نظر می‌رسد که سیاست‌بازی‌های حیدر علی‌اف هم کنار گذاشته شده، روابطی که الهام علی‌اف با اسرائیل برقرار کرده، دیگر از حد تعادل هم خارج شده و شکل خصمانه‌ای علیه ایران پیدا کرده، الان به نظر شما روابط ما آذربایجان چگونه باید باشد؟

حقیقت‌پور: آقای الهام علی‌اف، قدرت تشخیص صحیح و شناخت دوست و دشمن را ندارد، و باور ندارد که ایران می‌تواند کمکش کند. ما ۲۰۰۰ کیلومتر آنسوتر، سوریه را کمک می‌کنیم، عراق را کمک کردیم، این‌ها برای الهام علی‌اف باور ایجاد نکرده، واگر نه می‌توانست بفهمد بهترین کشوری که در منطقه می‌تواند کمکش کند ایران است و می‌تواند به ایران تکیه کند.

هنوز هم خیلی از مسائل حیاتی جمهوری آذربایجان مثل ارتباط نخجوان با باکو از طریق خاک ایران انجام می‌شود، آیا واقعاً دولت آذربایجان متوجه نیست که ایران نقشی اساسی در «حیات سیاسی» دارد؟

حقیقت‌پور: نه به نظر من این‌ها متوجه نیستند برای همین، کار جدی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هم با ما نخواهند کرد.

این‌ها دل بسته‌اند به اسرائیل و گروه مینسک، و فکر می‌کنند غربی‌ها می‌توانند قره‌باغ را به آن‌ها برگردانند. در صورتی که این یک خطای محاسباتی است و غرب چنین کاری برای آذربایجان نخواهند کرد.

با وجود کمک‌های فراوان ایران به آذربایجان، چرا این تبلیغات از سوی آن‌ها علیه ایران صورت می‌گیرد؟

این قدرناشناسی مقامات و دولت آذربایجان است. اگر ایران توسط من آن هواپیمای پر از مین و آن سلاح‌ها را به «روشن جواداف» نمی‌داد، ارمنی‌ها بقیه‌ی مناطق را هم می‌گرفتند.

اگر ایران (هلال احمر) توسط من «۱۰۰هزار آواره» قره‌باغ را در ایمیشلی اسکان نمی‌داد، آب و غذایشان را تامین نمی‌کرد و امنیت شان را فراهم نمی‌کرد، همین آواره‌ها می‌رفتند کاخ ریاست جمهوری را بر سر حیدر علی‌اف خراب می‌کردند.

حالا کنگره آذری‌های جهان برگزار می‌کند علیه ایران! دولتی که یک چهارم خاکش را از دست داده است!

به عنوان پرسش آخر لطفاً کمی بیشتر در خصوص کمک به آوارگان و اردوگاه ایمیشلی توضیح دهید:

با توجه به وضعیتی که در منطقه قره‌باغ رخ داده بود و پیش‌بینی میشد که بسیاری از این آواره‌ها راهی سرزمین ما شوند، ایران تدبیر مناسبی اندیشید. این تدبیر در نزدیکی مرز در نقطه به نام ایمیشلی هلال احمر نقطه‌ای را آماده و تجهیز کرد و باعث شد که این آواره‌ها در آنجا اسکان داده شوند و از امکانات زندگی و آموزشی آنجا استفاده کنند.

هزینه‌های آب رسانی، برق رسانی، غذا و چادر را ایران تامین می‌کرد. این کمک در آن موقع برای باکو که توان پذیرش آوارگان جنگ را نداشت بسیار حیاتی بود. برای ما هم مهم بود که در همانجا به این آواره‌ها کمک کنیم و نگذاریم که پراکنده شوند.

منبع: نشریه وطن یولی